گوهر شاهوار ۱۶۴

علی باقریان

۸۱۶ سپاه انجمن[۱] شد به درگاهِ اوی
بِد[۲] ابر اندرآمد[۳] سرِ گاه[۴] اوی[۵]
۸۱۷ به پیلانِ گردون کَش[۶] و گاومیش
سپه را همی توشه بردند پیش
۸۱۸ کتایون و بَرمایه بر[۷] دستِ شاه
چو کِهتربرادر[۸] وُرا نیک خواه[۹]
۸۱۹ همی رفت منزل به منزل[۱۰] چو باد
سری پُر ز کینه دلی پُر ز داد[۱۱]
۸۲۰ رسیدند بر تازیانِ[۱۲] نَوَند[۱۳][۱۴]
به جایی که یزدان پرستان بُوَند[۱۵]

۱- انجمن: گروه، جمع. ۲- بِد: به (در حالتی که کلمهٔ پس از آن با مصوت شروع شود، چنان که در «بِدان» و «بِدوی» و «بِدین»). ۳- اندرآمد: درون شد، رسید. ۴- گاه: تخت، جایگاه. ۵- لشکر در پیشگاه فریدون گرد آمد، و کار او بالا گرفت. («بِد ابر اندرآمد»، چه به معنای «به ابر درون شد» باشد و چه به معنای «به ابر رسید»، بر رسیدن فریدون به جایگاهی بلند دلالت می کند.) ۶- گردون کَش: گردونه کَش، کشندهٔ چرخ. ۷- بر: کنار. ۸- کِهتربرادر: برادرِ کِهتر (= کوچک تر). ۹- کتایون و برمایه ابرادران بزرگ تر فریدون]، خیرخواهانه، کنار شاه بودند، همچون هر برادر بزرگ تری که خیرخواه برادر کوچک تر است. (ممکن است خواستِ این باشد که کتایون و برمایه، اگرچه از فریدون بزرگ تر بودند، در نزدِ او کوچکی و بندگی می نمودند.) ۱۰- منزل: ایستگاه بین راهی. ۱۱- داد: دادخواهی. ۱۲- تازیان: اسبانِ نژاد تازی. ۱۳- نَوَند: تیزرو. ۱۴- نشسته بر اسبان تازی، رسیدند .... ۱۵- بُوَند: باشند.

تازه ها

«خون روی تیر دروازه: جام جهانی دیکتاتوری»، نوشته ریس ریچاردز، روایت یکی از بحث برانگیزترین جام های جهانی فوتبال است. هم زمان با جام سال ۱۹۷۸، که آرژانتینِ میزبان آن را برد، در این کشور، ده ها هزار مخالف سیاسی ناپدید می شدند و «پروازهای مرگ» زندانیان را به رودخانه می ریختند. دیکتاتوری نظامی جنایات خود را پشت صدای سوت و فریاد هواداران پنهان می کرد. این کتاب نشان می دهد که چگونه فوتبال در دستان قدرت می تواند به ابزاری برای سرکوب، فریب، مشروعیت سازی یا حتی مقاومت بدل شود.

استاد زبان و ادبیات فارسی از ضرورت درک نشانه شناختی از مفهوم «ایران» گفت

سرزمین ایران، مهم ترین مؤلفه وحدت بخش جامعه

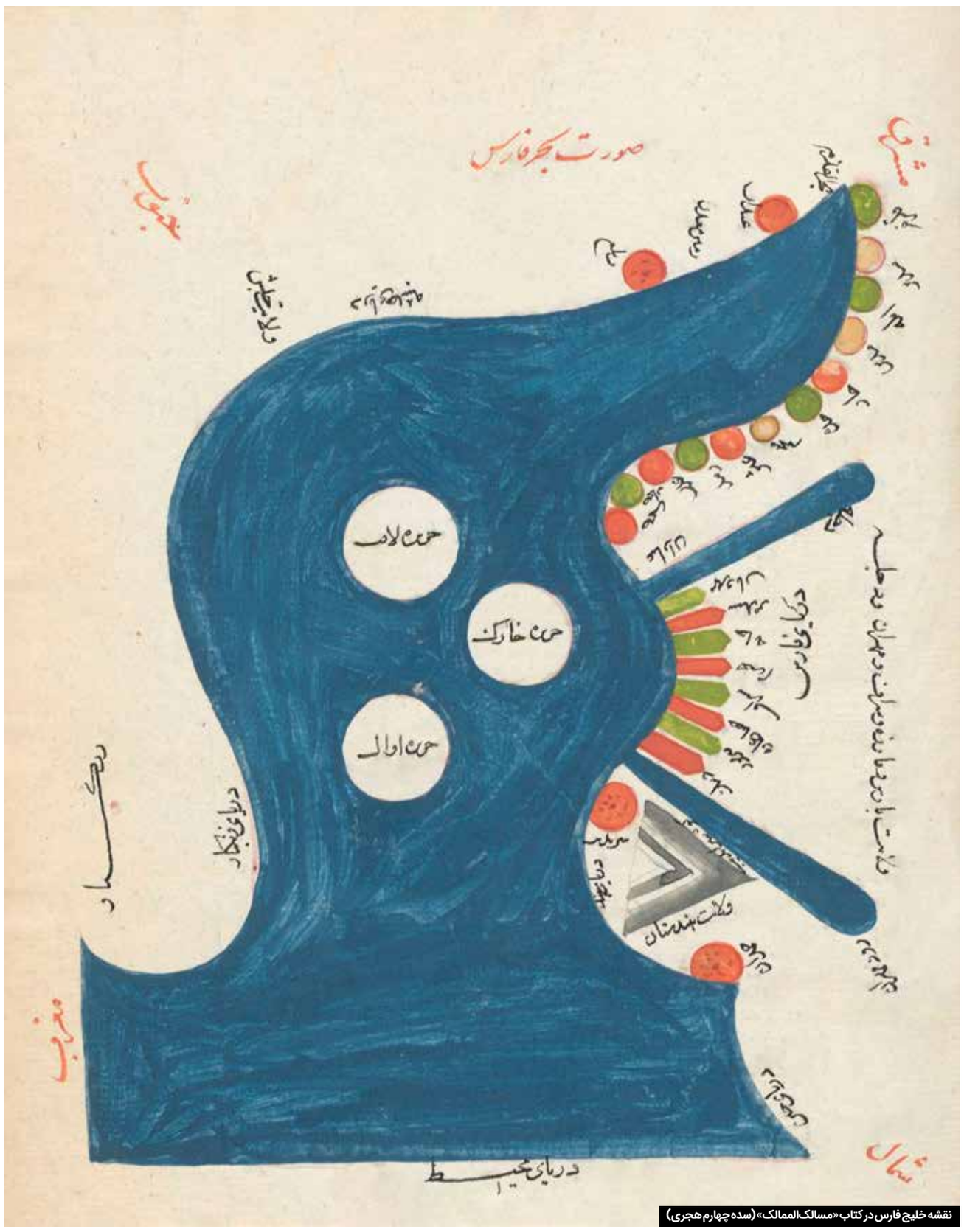

نقشه خلیج فارس در کتاب «مسالک الممالک» (سده چهارم هجری)

گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش

«هم سرزمین» برنامه ای گفت وگویی است که پخش آن در روزهای پس از جنگ دوازده روزه آغاز شده است. در هر قسمت از این برنامه -که تنی چند از دانش آموختگان علوم ارتباطات با همکاری دانشگاه فردوسی آن را برگزار می کنند- یکی از استادان دانشگاهْ طرف گفت وگو درباره مسائل مرتبط قرار می گیرد و به بیان دیدگاه های خود می پردازد. مهمان قسمت چهارم «هم سرزمین»، که تحت عنوان «چطور نشانه 'ایران' ما را دور هم جمع می کند؟» پخش شده است، محمود فتوحی رودمعجنی، استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، بود. این استاد ادبیات، که بیشتر به واسطه پژوهش ها و مطالعات خویش درباره تاریخ ادبیات فارسی شهرت یافته و آثاری همچون «ایرانیان و رؤیای قرآن پارسی» را در همین راستا پدید آورده است، در این برنامه، ازمنظر نشانه شناسی (علم مطالعه نشانه ها به عنوان عناصر حامل معانی و مفاهیم)، به مفهوم «ایران» پرداخت و آن را عامل یکپارچگی ایرانیان معرفی کرد. آنچه در ادامه می آید، بخشی از سخنان او در پاسخ به زهرا اردکانی فرد، مدرس و پژوهشگر رسانه و زنان، در این قسمت از «هم سرزمین» است.

در پژوهش های تازه تان و مباحثی که اخیرا مطرح کرده اید، به مسئله ایران به مثابه یک نشانه یا نظام نشانه ای اشاره می کنید. برای آغاز بحث، توضیحی درباره این ایده ارائه بفرمایید تا با این مقدمه به مسئله جنگ و رویدادهای آن بپردازیم.

برای پاسخ به پرسش «ایران چیست؟»، می توان از منظرهای گوناگون به موضوع پرداخت. در حوزه تخصصی بنده که متون ادبی و تاریخ ادبیات ایران است، یکی از پرسش های مطرح شده این است که ایران چگونه موجودیتی است که تاریخ ادبیات آن قابل مطالعه است. تلاش برای پاسخ به این پرسش گسترده -که این روزها بیش ازپیش مورد توجه قرار گرفته- مرا به بررسی زوایای مختلفی کشاند، تا سرانجام به مسئله نشانه شناسی در متون ادبی رسیدم.

نشانه ایران حامل دو مفهوم اساسی است: پناهگاه و ظرف تجارب مشترک. این ویژگی ها توضیح می دهند که چگونه در فاصله تنها دو سه روز دال ایران به موقعیت مرکزی گفتمان اجتماعی ارتقا می یابد. در متون ادبی، به ویژه آثار حماسی مانند «شاهنامه»، «کوشنامه»، «ویس و رامین»، و نیز آثار نظامی و برخی دیگر از متون غیرحماسی، همواره واژه «ایران» به عنوان دالی مرکزی حضور دارد. این امر در ادبیات درباری آشکارتر است، چراکه دربار -به عنوان مرکز قدرت- نهاد شکل دهنده به مفهوم ایران محسوب می شود و -بنابراین- واژه «ایران» در این متون جایگاهی کلیدی دارد.

در پاسخ به چیستی ایران، نشانه شناسیْ ابزار سودمندی برای بررسی نشانه ایران محسوب می شود. ایران به عنوان نشانه ای مستقل در تقابل با سایر نشانه ها همچون عراق، روسیه، کویت، هند، یونان و روم معنا می یابد. این نشانه در درون خود حاوی نظام های نشانه شناختی متعددی است، بدین معنا که مفهوم ایران متشکل از مجموعه ای از واژگان، علائم، تصاویر و نشانه هاست. ایران -به خودی خود- عنصری بسیط نیست، بلکه ساختاری درهم تنیده از نشانه هایی است که هریک دارای سابقه ای تاریخی هستند، برخی هزاره ها، برخی سده ها و برخی دیگر کمتر. بررسی نشانه ایران و اجزای تشکیل دهنده آن درک ما را از متون و اسناد تاریخی غنی تر می سازد، و به شناخت و بازشناسی هویت ایرانی یاری می رساند. این رویکرد، به ویژه، در تحلیل لایه های هویت تاریخی کاربرد دارد، چراکه هویت تاریخی ما ماهیتی لایه مند دارد و این نشانه ها به خوبی این لایه مندی را نمایان می کنند.

با توجه به مقدمه ای که بیان کردید، به پدیده جنگ و سپس آتش بس بپردازیم. جامعه ما کاملا ناگهانی با این پدیده روبه رو شد، درحالی که آمادگی جدی و عینی برای چنین شرایطی وجود نداشت. آنچه قابل مشاهده و جالب توجه بود این بود که جامعه، کاملا خودانگیخته، بدون برنامه ازپیش تعیین شده یا گفتمان سازی مشخص، ناگهان حول محور مفهوم ایران و وحدت ملی گرد آمد. این فرایندْ کاملا ارگانیک و خودجوش صورت پذیرفت. جامعه حول این مفهوم بسیج شد و به دفاع و مقاومت پرداخت. سؤال اساسی این است که «چگونه این اتفاق رخ داد؟» چرا، در میان تمامی دال های موجود که تا پیش از این جنگ فعال و اثرگذار بودند، ناگهان این مفهوم برجسته شد؟ به بیان دیگر، نشانه ایران چگونه توانست چنین همگرایی و اتحادی را در میان ما ایجاد کند؟

ببینید، در بحران هایی که موجب دگرگونی اساسی در وضعیت یک جامعه می شوند، افراد، به صورت غریزی، به جست وجوی نقاط اشتراک می روند. در این میان، ایران، به عنوان دال سرزمینی، مهم ترین وجه مشترک اعضای این جامعه محسوب می شود. سرزمین، درحقیقت، بستری است که کل مفهوم ایران در آن شکل می گیرد. تمامی افرادی که در چنین شرایطی قرار می گیرند ارتباطی مستقیم و ملموس با زمین و سرزمین خود دارند. آن ها به خوبی آگاه اند که در مواجهه با بحرانْ امکان خروج از مرزها را ندارند و ناگزیرند در درون همین محدوده جغرافیایی بمانند و از آن محافظت کنند. این سرزمین که ایران نام دارد به عنوان اولین عامل ایجاد وفاق جمعی عمل می کند. ایران در اینجا ظرفی است که جامعه در آن جای گرفته، فضایی که می تواند به عنوان پناهگاه عمل کند. این تصویر ایران به عنوان ملجأ و پناهگاهْ اولین و اساسی ترین مفهومی است که در شرایط بحران جامعه را حول خود متحد می سازد.

اما فردی که خواهان حضور در آن پناهگاه مشترک است می بایست با ما اشتراکاتی داشته باشد؛ پس، در مرحله بعد، هرکس که مایل به حضور در این پناهگاه جمعی است به جست وجوی وجوه مشترک با هم پناهندگان می پردازد. این اشتراکات ممکن است ریشه در تجارب تاریخی یا باورهای اعتقادی داشته باشند.

بنابراین -چنان که پیش تر گفتم- نشانه ایران حامل دو مفهوم اساسی است: پناهگاه و ظرف تجارب مشترک. این ویژگی ها توضیح می دهند که چگونه در فاصله تنها دو سه روز دال ایران به موقعیت مرکزی گفتمان اجتماعی ارتقا می یابد.

منشأ این دال مرکزی چیست؟

منشأ این دال مرکزی را باید در حافظه بلندمدت قومی جست وجو کرد. در طول تاریخ، در زندگی من و شما و دیگران، در نهادهای آموزشی، رسانه ها و روابط اجتماعی، این مفهوم ایران، خودآگاه و ناخودآگاه، در حافظه جمعی ما ثبت شده است. جامعه موجودی زنده، پویا و هوشمند است، نه ساختاری ایستا و بی جان. این حافظه تاریخی و قومی می تواند به سرعت با شرایط جدید تطبیق پیدا کند. در چنین شرایطی، جامعه درمی یابد که تنها چتر امن موجود ایران است، هم به عنوان سرزمینی محکم زیر پا و هم به عنوان ظرف تجارب مشترک. این تجربه مشترک چه دستاوردی دارد؟ ایجاد آشنایی، ارزش های مشترک و باورهای جمعی. هرچه این اشتراکات عمیق تر باشند، قدرت دال ایران بیشتر می شود؛ در مقابل، هرچه بر عوامل تفرقه آفرین و نشانه های فرعی تفکیک کننده بیشتر تأکید شود، امکان شکل گیری این وفاق جمعی کاهش می یابد.

پرسش بعدی نیز دقیقا متوجه همین نکته بود. در شرایط کنونی که همگان از ایران سخن می گویند، به نظر می رسد تفاسیری از این مفهوم ارائه می شوند که تمایزاتی اساسی دارند. آیا این تفاوت ها در فهم و تفسیر نشانه ایران امری مطلوب و مثبت است و باید این تکثر را حفظ کرد، یا اینکه لازم است به سمت نگاهی منسجم تر و یکپارچه تر به این نشانه حرکت کنیم؟

ببینید: ما با دو وضعیت متمایز روبه رو هستیم: وضعیت جنگ و ناامنی، و وضعیت عادی. در شرایط جنگ و ناامنی، همان استعاره پناهگاه که پیش تر به آن اشاره شد به تفاوت ها مجال بروز نمی دهد؛ هنگامی که جامعه در وضعیت بحرانی و ناامن قرار می گیرد، افراد به دنبال تفاوت های شخصی نیستند، بلکه به یکدیگر پناه می برند.

اما، در شرایط عادی، جامعه ایرانی، به عنوان جامعه ای پویا و متکثر، مصداق بارز مفهوم «وحدت در کثرت» است. در مواقع بروز ناامنی و تهدید خارجی، عنصر وحدت بخش در کانون توجه قرار می گیرد، حال آنکه، در وضعیت طبیعی و آزاد، عناصر متکثر مجال ظهور می یابند. این عناصر متکثر، در چارچوب یک قرارداد نانوشته اجتماعی، خود را ذیل آن مفهوم واحد قرار می دهند. برای نمونه تاریخی، می توان به دوره های غزنوی، سلجوقی، ایلخانی و صفوی اشاره کرد: در این دوره ها، حکومت های محلی متکثر با تیره ها و طوایف مختلف، زبان ها و عقاید متفاوت وجود داشتند، اما همگی، با طرح نام ایران، تحت آن چتر واحد قرار می گرفتند. این نظام -درواقع- مبتنی بر ریاست واحد بود. و، همان گونه که ابن سینا اشاره کرده، این ریاست واحد همان قرارداد نانوشته اجتماعی ایرانی بود که همه حکومت های محلی بدان تن می دادند و -درعین حال- به کار خود ادامه می دادند. این همان ساختار سیاسی «کثرت در وحدت» است.

همین ویژگی در بررسی نظام های فکری ایرانی هم مشهود است. بنابراین، ما شاهد نشانه هایی درون ساختار ایران هستیم که ذاتا وحدت آفرین و همگراساز هستند. در شرایط کنونی، لازم است حکومت و دولتمردان بر این نشانه های وحدت بخش تمرکز کنند. هرگونه تأکید بر نشانه های متعلق به فرقه های خاص، گروه های اجتماعی معین یا طوایف مشخص قطعا به تضعیف آن نظام واحد، ریاست یکپارچه و ساختار منسجم خواهد انجامید. برجسته سازی این گونه نشانه های جزئی و بخشی، نهایتا، موجب فروپاشی آن شاکله کلی و یکپارچه می گردد.

آن نشانه های وحدت بخش و هویت ساز ایران در شرایط کنونی چه مؤلفه هایی می توانند باشند؟

یکی از بارزترین این نشانه ها خود سرزمین است، همین سرزمینی که ما به شکل گربه می بینیمش و شاید بتوان آن را از قوی ترین نمادهای موجود برشمرد. همین گربه پرشین، یعنی این سرزمین که امروزه در قالب مرزهای سیاسی مشخصی نمایان شده است، در دو ساحت قابل بررسی است: نخست ساحت جغرافیایی-سیاسی کنونی که مرزهای رسمی کشور را تشکیل می دهد، دوم ساحت گسترده تر جغرافیای فرهنگی ایران که در متون کلاسیک از جیحون تا فرات توصیف شده است، در تمام منابع کلاسیک. در این گستره فرهنگی، نشانه های ایران در چرخش معنایی دائمی قرار دارند. آن دسته از نشانه هایی که در این فضای فرهنگی از عمومیت و گردش معنایی گسترده تری برخوردارند ایرانیت بیشتری دارند و نمادهای اصیل تر هویت ایرانی شناخته می شوند.

بسترهای دیگری نیز وجود دارند که از آن جمله می توان به زبان فارسی اشاره نمود. این زبان هم به عنوان بستری برای شکل گیری بسیاری از نشانه های ما عمل می کند، هم نقش میانجی و رسانه را ایفا می کند. پس از آن، آداب و رسومی داریم که قادرند بدون درنظرگرفتن اختلافات اعتقادی و طایفه ای ما را گرد هم آورند، نمونه هایی همچون نوروز و جشن های ملی. علاوه بر این، نشانه های دیگری نیز وجود دارند که از قابلیت های ویژه ای برخوردارند، به عنوان مثال نشانه عاشورا. این نشانه ظرفیت آن را دارد که به قرائتی سیاوشی -یعنی روایتی از سوگ قربانی- تفسیر شود. این مفهوم سوگ قربانی، به ویژه با توجه به پیشینه تاریخی جامعه ما که همواره شاهد قربانی هایی بوده، می تواند نقش پالایش عاطفی ایفا نماید. با این نگاه، می توان از قرائت های فرقه ای فراتر رفت و به تفسیری عمومی و فراگیر دست پیدا کرد، تفسیری که قادر باشد به نمادی تبدیل شود که هر قلبی را پالایش کند. این یعنی نشانه ایرانی را می توان با نشانه هایی دیگر تلفیق کرد. همچون تلفیق قهرمانان اساطیری مانند سیاوش و سهراب با علی اکبر، همان گونه که در نگاره ها و متون تاریخی قاجار شاهد این تلفیق ها بوده ایم. این رویکرد می تواند به ایجاد پیوندی عمیق تر بین لایه های مختلف هویت ایرانی بینجامد.

بنابراین، ضروری است که فعالان فرهنگی ما درکی نشانه شناختی از مفهوم ایران داشته باشند. برجسته سازی هر نشانه ای مستلزم هزینه ها و درآمدهای خاص خود است. حالا، این پرسش اساسی مطرح می شود که کدام نشانه ها باید در نظام آموزش و پرورش، و به ویژه در رسانه ها، موردتوجه قرار گیرند. به رسانه های جهانی نگاه کنیم که در آن ها چه تصویری از ایران ارائه می شود. نشانه شناسی ایران و نظام نشانه شناختی در رسانه های مخالف ما، عمدتا، حول چه محورهایی می چرخد؟ اعتراضات، تظاهرات خیابانی و برنامه هسته ای -این ها عناصری هستند که در حال حاضر ایران با آن ها شناخته می شود. این ها نشانه هایی هستند که از ایران در عرصه جهانی بازنمایی می شوند. این وضعیت ما را به تأمل وامی دارد که چگونه می توان نشانه های اصیل تر و نماینده تر هویت ایرانی را در عرصه های آموزشی و رسانه ای تقویت کرد. انتخاب هوشمندانه نشانه ها برای بازنمایی ایران امری استراتژیک است و به توجه ویژه دست اندرکاران فرهنگی و رسانه ای کشور نیاز دارد.

ویدئوِ کامل گفت وگو